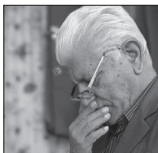


انتخابات ریاست جمهوری
آمریکا و ایران



۲

آیا تنها دشمن ما
آمریکا است



۳

ذخیره سازی بیش از
۱۳ هزار تن کود کشاورزی



۳

یادداشت اول

قدردان

پرستاران باشیم

با مسوولیت سردبیر

بعضی شغل ها هستند که همواره کسانی که به آن شغل های شریف مشغولند بخاطر تلاشهایشان شایسته احترام خاصند، شغل هایی مانند آتش نشانی، کارگری در معدن، پرستاری و ... از کارهایی هستند که تمام آن ایثار و خدمت به دیگران است. تصور کنید آتش نشانان بخاطر اشتباه من و شما و یا اتفاقی که هیچ دخالتی در آن نداشته اند باید جان بر کف به دل آتش بزنند و آتش را بنشانند و یا کارگر معدن که باید تا اعماق زمین در قحطی هوا و نور فرو رود تا وظیفه اش را به انجام رساند. باری همه این مسوولیتها سنگین است و شاید بسیاری از شغل ها سختتر هم باشند، اما کمتر شغلی است که هر روز آن بوی جانبازی و ایثارگری داشته باشد. شغلی که هر روز با انسانهایی سر و کار داشته باشید که از زمین و آسمان گلایه دارند و از درد به خود می پیچند، ضجه می زنند و برخی آرزوی مرگ می کنند و در این میانه شما با همه گرفتاری ها باید لبخند بزنید و بیمار را دعوت به آرامش و صبر کنید و تلاش کنید شرایط بهبود او مهیا شود. در کنار این بیماران و دردهای مکرر هر روز یا شب که از منزل رهسپار می شوید باید نگران فرزندان و معاش و تنگی معیشت هم باشید و در همان حال مظهر امید و مجمع آرامش، تلخی ها را باید در خودت بریزی و شادی های نداشته را با بیماران تقسیم کنی، علاوه بر همه این فداکاری ها باید خستگی ناپذیر و سر بلند بمانی، چون شما یک پرستار هستی، یک پرستار به مثابه یک مدیر شایسته در منزل است، یک مادر یا پدر تلاشگر است برای فرزندان، یک همسر خوشرو برای همسر است و یک فرشته مهربان برای بیماران. تلاش های کادر درمان در سالهای نحس کرونا و سختی ها و مرارت های آنها در این سالها اتفاقی نیست که از خاطره ها برود. پیشاپیش روزشان را تبریک می گوئیم و امید آن داریم همه قدردان تلاش های انسانهای شریفی که بدون هیچ ادعایی با دستانی خالی برای این آب و خاک تلاش می کنند، باشیم.



پاقله جایی که زمین
به ملاقات آسمان می رود

« ۸ »



۱۰۰ روستا دارای گروه مقابله با آتش
در جنگل است

« ۷ »



زبان تبری و لهجه
استرآبادی

« ۴-۵ »

مبارزه با مگس مدیترانه ای

تجربه موفق یک باغدار



در مرحله بعلی وارد بازار شود اما متأسفانه نبود قرنطینه موجب ورود آفات به کشور است و هر ساله خسارات فراوانی وارد می کند. ایجاد لکه های قهوه ای روشن بر روی میوه نشان دهنده وجود آفت در داخل میوه است و میوه ها به محض آلودگی با این آفت شروع به ریزش از درخت کرده که این موضوع به ویژه در پرتقال و نارنگی نمود بیشتری دارد. گفته می شود در حال حاضر به اندازه ای این آفت در باغات استان از شرق تا غرب گسترش یافته است که اگر در مورد مبارزه با مگس مدیترانه ای میوه با همین روند کنونی پیش برویم؛ این آفت تا ۱۴۰۴ عرصه های باغی استان را نابود می کند. مگس میوه مدیترانه ای در سالهای اخیر سطح کشت باغات استان را به تدریج کاهش داده است. ناتوانی در کنترل این آفت مخرب موجب شده باغداران از ادامه این کار انصراف دهند. سازمان جهاد کشاورزی استان نیز تاکنون تلاشهایش در این زمینه بی نتیجه مانده است. آنچه تاکنون مسلم است این است که این آفت سمج و مقاوم است و راههایی که تاکنون برای مبارزه با آن پیموده شده نتیجه ن داده است، بنابراین باید تجربه های موفق را یافت، آموزش داد و به کار بست.

میوه را دارد. در سال گذشته به کمتر باغداری در مازندران رحم کرد و می توان گفت بیش از ۹۰ درصد باغات میوه استان مازندران را مورد حمله قرار داد. این آفت اولین بار در سال ۵۴ در میوه هلوئی مشهد دیده شد که پس از آن از سال ۶۲ وارد استان مازندران شد و در سال ۶۴ به طور گسترده شیوع پیدا کرد. گرم شدن کره زمین در سالهای اخیر یکی از دلایل گسترش این آفت خسارت زا است. تحقیقات انجام شده مبین این است که نبود قرنطینه محصولات کشاورزی دلیل اصلی ورود آفات و بیماری های گیاهی به کشور است. محصول وارداتی باید ابتدا وارد قرنطینه شده و دقیق مورد بررسی قرار گیرد سپس

تا امکان ادامه حیات را از مگس ها گرفته باشیم، بنابراین توصیه می کنم کشاورزان گرمای حتما بقایای محصولات آسیب دیده را دفن کنند. این باغدار لیوانی ادامه داد: نکته دیگر آنکه سم را تنها با نظر کارشناسان استفاده کنند و از مخلوط کردن سموم با یکدیگر پرهیز نمایند تا کشاورزان نتیجه زحمات خود را بگیرند. در این باره گفتنی است مگس میوه مدیترانه ای آفتی است که تقریباً جز کیوی به هر میوه ای خسارت وارد می کند. این آفت لقب مخرب ترین آفت کشاورزی جهان را دارد و بالاترین خسارت اقتصادی را می تواند وارد کند. این مگس توانایی آسیب به بیش از ۲۵۰ تا ۳۰۰ نوع

مهران قجری- یک باغدار بندرگز تجربه موفق در برخورد با مگس مدیترانه ای داشته است. مصطفی حسینی که مالک هفت هکتار باغ مرکبات و خرمالو ست در گفت و گو با گلشن مهر از دلایل موفقیت خود در برخورد با مگس مدیترانه ای گفت. حسینی گفت: دو سال پیش تقریباً بیش از سی درصد از محصولات باغ ما از دست رفت و صدمه دیدیم. سال پیش توانستیم صدمه را به ده درصد تقلیل دهیم و در سال جاری می توان گفت جز در موارد بسیار نادر صدمه ای ندیدیم. وی درباره علت موفقیت خود می گویند: تمام برنامه ریزی ها که عبارت بود از تله گذاری و سم پاشی به وقت و با نظر کارشناسان انجام دادیم. وی تأکید کرد: نکته مهم آن بود که مبارزه با این آفت باید در وقت خود انجام شود، تله گذاری، سم پاشی و ... نباید با تأخیر اتفاق بیفتد. و الا تلفات زیاد خواهد شد. حسینی می گویند: باید سه دوره (بیک) پرواز مگس را در حدود بیست روز حمله این آفت مدیریت کرد تا این آفت نتواند به باغ صدمه بزند. سید مصطفی حسینی ادامه می دهد: نکته مهم دیگر آنکه ما میوه های بر زمین افتاده را در ارتفاع پنجاه سانتی متری خاک دفن کردیم



نجات یک کودک ۱۰ ساله از سیلوی گندم



مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان گفت: با تلاش نجاتگران هلال احمر گلستان کودک ۱۰ ساله‌ای که در سیلوی گندم آق‌قلا گیر کرده بود، رهاسازی و نجات پیدا کرد. به گزارش روابط عمومی، قاسم غریب آبادی گفت: گزارش سقوط یک کودک ۱۰ ساله به داخل سیلوی گندم حوالی روستای قره‌تپه آق‌قلا از سوی اورژانس، به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات استان (EOC) اعلام شد. وی در ادامه افزود: با توجه به اینکه، حادثه‌دیده یک نوجوان بود و بیم این می‌رفت جان او به خطر بیفتد، بلافاصله ۳ تیم از پایگاه امداد و نجات و شعبه مرکزی آق‌قلا و تیم پایگاه امداد و نجات قرق‌گرگان با آمبولانس، خودرویی سبک و خودرویی نجات به محل حادثه اعزام شدند. غریب آبادی بیان کرد: این کودک در یکی از لوله‌های خروجی کف سیلوی گندم گیر کرده بود و با توجه به وضعیت قرارگیری در لوله، نجاتگران با استفاده از دستگاه برش جوشکاری لوله را برش داده و حادثه‌دیده را رهاسازی کردند. مدیرعامل جمعیت هلال احمر گلستان با اشاره به اینکه در این عملیات آتش نشانی و اورژانس هم حضور داشتند، خاطرنشان کرد: خوشبختانه با اقدام به موقع عوامل امدادی، کودک از لوله خارج شد و جهت بررسی‌های لازم توسط اورژانس به بیمارستان آل جلیل آق‌قلا انتقال یافت. غریب آبادی از خانواده‌ها خواست مراقب فرزندان خود باشند و از نزدیک شدن آنها به مکان‌های ناشناس و خطرناک از قبیل سیلو و چاه جلوگیری کنند.

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و ایران



غلامحسین مبینی

انتخابات ریاست جمهوری آمریکا (۲۰۲۴) ۵ نوامبر سه‌شنبه همین هفته برگزار می‌شود و طبق روال متعارف رقابت بین دو جریان از حزب دموکرات و جمهوری خواه رقم می‌خورد. در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه و خانم کامالا هریس از حزب دموکرات رقابت فشرده‌ای را آغاز و به خط پایان نزدیک می‌شوند. خانم هریس از حزب دموکرات در مقام معاون بایدن نقش پررنگی در روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی دولت آمریکا ایفا کرده است. تیم بایدن/هریس طبیعتاً مسولیت عملکرد حزب دموکرات را به نمایش می‌گذارند و در آرای کالج انتخاباتی نمایانگر می‌شود. کامالا هریس، در شرایط اضطراری پسا بایدن به میدان انتخابات بازگشت و در دوره زمانی معطوف به انتخابات توانست بخشی از ریزش آرای انتخاباتی حزب دموکرات به رهبری بایدن را ترمیم بخشد اما گاف‌های انتخاباتی بایدن و شرایط شکننده منطقه خاورمیانه و اوکراین و چالش مهاجران و اوضاع تلخ حقوق بشری در فلسطین و لبنان همگی در افکار عمومی آمریکا نشانی از قاطعیت پیروزی حزب دموکرات را نشان نمی‌دهد. هریس اگرچه در حوزه سیاست داخلی از اشراف نسبی بر وضعیت جوامع محلی و ایالتی متکثر آمریکا برخوردار است اما در آنالیز وضعیت دیپلماسی و سیاست خارجی از شفافیت قاطعیت و سرعت عمل برخوردار نیست. بی‌شک وضعیت سیال آمریکا در مدیریت بحران اوکراین و خاورمیانه و... بیانگر پارادوکس اساسی در تیم سیاست خارجی حزب دموکرات خبر می‌دهد. در

این آشفتگی سیاست خارجی سیاست داخلی آمریکا هم ضربه پذیر می‌شود و احتمال می‌رود انتساب هریس به حزب دموکرات به شبکه آرای او در ایالت های آمریکا آسیب و او را ضربه پذیر سازد. در موضوع ایران اگرچه اختلاف جدی در میان دو حزب دموکرات - جمهوری خواه محسوس نیست اما حزب دموکرات در قبال ایران از تاکتیک فشار تحریمی به ایران با هدف تغییر رفتار (پیروی می‌کند. در رویکردی دیگر دونالد ترامپ و جریان تند رو حزب جمهوری خواه تلاش می‌کند با برجسته سازی مشکلات داخلی آمریکا و انتساب آن به حوزه عملکردی ریاست جمهوری بایدن انگشت اتهام را به سمت حزب دموکرات و شخص کامالا هریس نشانه گیرد. در این میان رویکرد مهاجر ستیزی و آمریکا نژادی ترامپ در کنار اسلام هراسی و ایران هراسی با نگاه حمایتی از اسرائیل و بحران سازی از وضعیت خاورمیانه اقداماتی است که ترامپ با آن در صد افزایش شبکه رای خود در ایالات های مختلف آمریکا است. جمهوری خواهان اگر چه در موضوع ایران با حزب دموکرات راهبرد مشترک دارند ولی از تاکتیک فشار حداکثری با هدف (تغییر رژیم) حمایت می‌کنند. تاکتیک هایی که نتوانستند در خدمت راهبرد آمریکا در قبال ایران موفق ظاهر شوند با این حال نتیجه انتخابات آمریکا بدلیل فشرده‌گی و نزدیکی آرای رای دهندگان قابل پیش بینی نیست در نتیجه تاکتیکی مشخص در راهبرد سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران دریافت نمی‌شود.

دکتر روابط بین الملل

نرخ مشارکت اقتصادی ۴۰.۹ درصد است

توسعه آبی‌پروری از پیش‌نیازهای طرح گردشگری جزیره آشوراده بود که برخی از موارد انجام شده و برخی دیگر نیازمند پیگیری است. وی با بیان اینکه در طرح طبیعت‌گردی آشوراده به همه دستورات و نکات مورد تاکید سازمان حفاظت محیط زیست عمل کردیم، تصریح کرد: این طرح در ابتدای فعالیت دولت سیزدهم، مجوز کمیته طبیعت‌گردی را نداشت و اخیراً نیز وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به عنوان متولی طرح طبیعت‌گردی آشوراده از آن حمایت کردند و سازمان حفاظت محیط زیست نیز ورود پیدا کرده است. به گفته زنگانه: استفاده از بخش تفویج با رعایت اصول محیط‌زیستی زیستی حق گلستانی‌ها است و در همه جای دنیا از این ظرفیت استفاده می‌شود. مدیرعامل منطقه آزاد اینچه برون هم در این نشست اظهار کرد: نگاه ملی و فراملی به منطقه آزاد اینچه برون در ماه‌های اخیر افزایش پیدا کرده و اگر این پروژه تاکنون مطالبه ما بوده اکنون یک مطالبه ملی است. حسن ملک‌حسینی از اتمام طرح جامع منطقه آزاد اینچه برون خبر داد و افزود: آب یکی از زیرساخت‌های منطقه آزاد است و از آنجا که بحران آب یکی از مشکلات گلستان است براساس پیگیری‌های انجام‌شده در یک ماه گذشته و اعزام چند تیم از وزارت نیرو، مجوز تخصیص آب به منطقه آزاد دریا، استفاده از پساب شهر گرگان، و اخذ مجوز چند حلقه چاه گرفته شد. وی افزود: مطالعات الحاق فرودگاه بین‌المللی گرگان به منطقه آزاد اینچه برون انجام شده و برای تحقق این مهم به طور جدی پیگیری خواهیم کرد.



همین راستا، اخذ مجوز مالی روزانه ۱۵ هزار مترمکعب شیرین‌سازی آب دریای خزر انجام شده است. زنگانه از تزریق حدود هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان اعتبار برای تکمیل سد نرمان خبر داد و گفت: مطالعات سد میرداماد و قره‌چای نیز پایان یافته و ردیف بودجه این سدها انجام شده است. استاندار گلستان به رشد جهشی گلستان در شاخص سرانه آموزشی افزود: در ۳۶ ماه گذشته ۱۱۰ هزار مترمربع فضای آموزشی جدید در استان ایجاد شده است. وی با بیان اینکه گلستان با ۹۵ نقطه حادثه‌خیز پس از تهران در جایگاه دوم کشور قرار داشت، تصریح کرد: با اقدامات انجام‌شده ۶۳ نقطه حادثه‌خیز استان ایمن‌سازی و ۱۷ دوربرگردان استاندارد ایجاد شد. استاندار گلستان با تاکید بر اینکه ما به دنبال اقتصاد سبز هستیم، تصریح کرد: ایجاد راه دسترسی، زیرساخت، بهسازی روستا، تکمیل اردوگاه دانش‌آموزی، قلعه تاریخی، گردشگری کشاورزی و

بر کاهش تسهیلات اعطایی در گلستان صحت ندارد. وی یادآور شد: براساس آخرین آمار مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری گلستان در تابستان ۱۴۰۰، ۸.۵ بود که در تابستان ۱۴۰۳ به ۷.۹ درصد رسیده است. استاندار گلستان به افزایش ۱۱۷ درصدی تعهد اشتغال گلستان اشاره کرد و گفت: شاخص افزایش نسبت اشتغال استان گلستان از ۳۴.۳ در تابستان ۱۴۰۰ به ۳۷.۷ در تابستان ۱۴۰۳ رسیده و ۳۵ هزار اشتغال منجر به بیمه تامین اجتماعی در این مدت ایجاد شده است. زنگانه از افزایش ۹ برابری مبلغ یارانه و پرداخت بیش از ۱۹۰ هزار میلیارد ریال یارانه تا پایان مهر سال ۱۴۰۳ خبر داد و خاطرنشان کرد: همچنین متوسط درآمدی کل سالانه خانوارهای شهری نسبت به سال ۱۴۰۰ بهبود یک پله‌ای داشت و به ۲ میلیارد و ۳۲۰ میلیون ریال رسید. استاندار گلستان با بیان اینکه تامین آب آشامیدنی از ابرچالش‌های گلستان بود، گفت: تلاش ما خروج این استان از تک‌منبعی بود در

استاندار گلستان گفت: براساس آخرین گزارش مراکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی گلستان از ۳۷.۵ درصد در تابستان ۱۴۰۰ به ۴۰.۹ درصد در تابستان ۱۴۰۳ رسیده است. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه اظهار کرد: در دور اول و دوم رییس جمهور شهید ۲۴۸ مصوبه با اعتباری بالغ بر ۲۵۶ هزار میلیارد ریال برای بخش عمرانی و ۱۳۷ هزار میلیارد ریال اعتبار در بخش تسهیلات و ۸۰ میلیون یورو تسهیلات ارزی برای استان گلستان در نظر گرفته شد. وی افزود: گلستان ۲ سال پیاپی استان امن سرمایه‌گذاری بود و نرخ رشد ۵.۴ درصد در انتهای سال ۱۳۹۹ به ۴.۳ درصد در پایان سال ۱۴۰۲ رسید. استاندار گلستان تاکید کرد: تولید ناخالص داخلی استان گلستان از ۵۱ هزار میلیارد تومان در انتهای سال ۱۴۰۰ به ۳۳۶ هزار میلیارد تومان در انتهای سال گذشته رسیده است. زنگانه با بیان اینکه صادرات استان گلستان از ۱۷۶ میلیون دلار در پایان سال ۱۳۹۹ به ۳۲۸ میلیون دلار در پایان سال ۱۴۰۲ رسیده است، گفت: صادرات در سال ۱۴۰۲ به کشورهای حوزه اوراسیا رشد ۹۵ درصدی داشته است. به گفته وی؛ افزایش سرمایه‌گذاری خارجی گلستان از ۲۸۵ در هشت سال دولت یازدهم و دوازدهم به بالای ۲۴ میلیون دلار در سه سال گذشته رسیده است. استاندار گلستان همچنین از احیای ۱۳۷ واحد صنعتی راکد طی سه سال گذشته در استان گلستان خبر داد. زنگانه از پرداخت هزار و ۱۲۰ میلیارد ریال تسهیلات طی ۳۶ ماه گذشته توسط بانک‌های استان خبر داد و تاکید کرد: طرح برخی موضوعات مبنی

گلشانه

۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۲۲۴۱۱۹۵



خبر

گلستانی ها ۳ هزار تخته پتو به مردم لبنان هدیه کردند



مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان از ارسال سه هزار تخته پتو توسط گلستانی ها به مردم لبنان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، عیسی بابایی از راه اندازی پوش دو هزار پتو در استان خبر داد و اظهار کرد: از روز سه شنبه ۸ تا پنجشنبه ۱۰ آبان پایگاه های جمع آوری پتو در میدین سطح شهر استان راه اندازی شدند که این فعالیت جمع آوری پتو طی روز جمعه در مصلی های استان ادامه داشت. وی افزود: در مرحله نخست مردم گلستان تعداد سه هزار پتو در قالب سه کامیون توانستند به مناطق جنگ زده لبنان ارسال کنند. مدیرکل کمیته امداد امام خمینی گلستان با اشاره به اینکه جمع آوری کمک های نقدی و غیر نقدی مردم گلستان به مردم مظلوم لبنان از ۱۵ مهر آغاز شده و تا ۱۵ آبان ادامه دارد، گفت: تاکنون میزان ۶ میلیارد تومان کمک نقدی و غیر نقدی توسط مردم گلستان جمع آوری شده است.



مانور تیم های واکنش سریع آبفا برگزار شد

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان گفت: مانور استقرار تیم های واکنش سریع شرکت های آب و فاضلاب منطقه شمال شرق کشور به میزبانی استان گلستان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی، ابوالفضل رحیمی اظهار کرد: این مانور به دلیل هم افزایی توان دستگاه ها در پیشبرد اهداف سازمانی ما که ارائه خدمات زیربنایی به مردم شریف در سطح استان است شکل گرفته است و این مانور باعث می شود که بانک اطلاعاتی شرکت های آب و فاضلاب در خصوص نیروهای انسانی، تجهیزات و امکانات تکمیل گردد و شرکتها قدرت و توان خود را جهت هر گونه تهدیدی آزمایش کنند. مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب استان گلستان هدف از اجرای این مانور را آمادگی هر چه بهتر شرکت های آب و فاضلاب برای شرایط خاص و بحرانی عنوان کرد و گفت: الزام اجرای این تمرین در راستای پاسخ مؤثر، هماهنگ و سازماندهی شده به اثرات مختلف انواع بلاها و فوریت ها است. این مقام مسئول افزود: مشارکت استان های همجوار نظیر استان های خراسان رضوی، خراسان شمالی، مازندران و مشهد در این مانور، سطح آمادگی و هماهنگی آنها را برای همکاری در موارد بحران افزایش می دهد.

در این یادداشت این بود که خواننده ای این مطلب، کشور روسیه را که بعد از انقلاب مدعی حمایت از منافع ایران در جوامع و سازمان های بین المللی است، بیشتر بشناسد. پس از پیروزی انقلاب و شعار نه غربی و نه شرقی، ایران کالا از بلوک غرب خارج و تبدیل به یک کشور غیرمتعهد شد و این بهترین فرصت برای روسیه بود که از این فرصت بهره مند شود. که در شعار کنار ایران ولی در منافع دور از ما بود. همین کشور در زمان جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران یکی از بزرگترین حامیان صدام به شمار می آمد. در جنگ ایران و عراق روسیه یکی از متحدان عراق و بیشترین تسلیحات از جمله هواپیماهای پیشرفته را برای صدام ارسال می کرد و در زمان تصویب قطعنامه ۵۹۸ یکی از کشورهایی بود که به نفع عراق رای داد. روسیه در زمان تحریم کشورمان از کشورهای پیشرو و همگام با آمریکا و اروپا در تصویب تحریم های ظالمانه ایران بود و نقش پررنگی داشت. توجه داشته باشیم که روسیه قبلاً خود اقدام به تجاوز به کشورمان می نمود و سرزمین های ما را اشغال می کرد و امروز هم نگاه ابزاری به ایران دارد. در تیرماه ۱۴۰۲ روسیه با وقاحت تمام و به شکل عجیبی از ادعای امارات و اتحادیه عرب مبنی بر اینکه جزایر سه گانه تمب بزرگ و کوچک و ابوموسی جزئی از خاک امارات است حمایت کرد!! که این موضوع با اعتراض افکار عمومی دولت سیزدهم و مقامات لشکری و امنیتی ایران رویه رو شد و مجبور به دلجویی از ایران شد. اما متأسفانه مجدداً در تاریخ سی آذرماه ۱۴۰۲ در ششمین نشست همکاری اعراب با روسیه چهره ی کریه خود را با حمایت از ادعای امارات نسبت به جزایر همیشه ایرانی نسبت به دشمنی با ایران نشان داد. با این تفاسیر آیا هنوز معتقدیم که تنها دشمن ما آمریکا است؟

فعال رسانه ای

نظریه پردازان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی داخلی و خارجی بر این عقیده اند که تنها آمریکا مقصر این وضعیت نابسامان ایران نیست. بلکه دست های زیادی در داخل کشور و سایر کشورهایی که ادعای هم پیمانی و دوستی با ما را دارند مانند کشور همسایه یعنی روسیه هم در کار است. تجربه تاریخی کشورمان در دوران معاصر همیشه با درد و رنج همراه بوده است و قسمت اعظم این درد و رنج بر می گردد به روسیه کشور همسایه شمالی ما... ما در دو قرن گذشته شاهد از دست رفتن قسمت اعظمی از خاک کشورمان بوده ایم که نتیجه سیاست های ظالمانه کشور روسیه است که مدعی دوستی و هم پیمانی با ایران است. اگر نگاهی به تاریخ روابط دو کشور داشته باشیم روسیه همیشه چه با نام اتحاد جماهیر شوروی و یا روسیه کنونی همواره نگاه توسعه گرانه و تهاجمی به خاک سرزمین ما داشته است. اما بعد از فروپاشی شوروی نگاه روسیه به نوعی بود که از کشور ما با توجه به تحریم ناچوانمردانه آمریکا و اروپا بیشترین سوءاستفاده را داشته و از ایران به عنوان یک برگ برنده در بازی با آمریکا و اروپا استفاده کرده است. سیاه ترین قسمت این روابط انعقاد قراردادهای یک طرفه و تحمیلی از سوی روسیه به ایران بوده است. مانند قطعنامه ترکمن چای و گلستان که قسمت های اعظمی از خاک ایران را تصرف کردند. بدترین قرار گلستان می باشد که در سال ۱۸۱۳ میلادی به امضا رسید و طبق این قرارداد ۱۴ ولایت از قفقاز ایران و قسمت اعظمی از دریای مازندران یا کاسپین از ایران جدا و پس از آن کمتر از دو دهه قرارداد ترکمن چای منعقد شد و طی این قرارداد استعماری ایران و نخجوان و قسمت های دیگری از ایران جدا و ضمیمه روسیه شد. در ادامه ی اشغالگری روس ها بعد از مدتی طی قرار ننگین آخال قسمت زیاد دیگری از ایران جدا شد که وسعتش از ایران امروزی بیشتر است. هدف از توضیحات تاریخی



آیا تنها دشمن ما آمریکاست



محمود رحیمی

در اینکه آمریکا بعد از تسخیر سفارتخانه اش که بقول حضرت امام (ره) لانه جاسوسی نام گرفت بنای دشمنی با کشور و انقلاب را نهاد و تاکنون ادامه دارد بحثی نیست. در اینکه آمریکا احساس قدرت می کند و خود را کلخدای دنیا می داند باز هم بحثی نداریم. اما آیا اوضاع امروز و مشکلات ما در داخل و خارج کشور فقط بواسطه ی دشمنی با آمریکا است؟

ذخیره سازی بیش از ۱۳ هزار تن کود کشاورزی



توسط شرکت خدمات حمایتی کشاورزی با طرف های خارجی منعقد و محموله های مورد نیاز کاملاً در بنادر کشور تخلیه شده و محموله ها بدون تاخیر و به موقع وارد استان شد. وی در خصوص تخصیص سه هزار تن کود دی آمونیوم فسفات به این استان، گفت: به یمن بارندگی های مناسب با شروع کشت پائیزه، تاکنون با استقبال خوب کشاورزان در مصرف این نهاده استراتژیک مواجه بودیم که پیشنهاد افزایش هزار تن، مازاد بر سهمیه داده شد و انتظار ما این است بر مصرف و فروش این کود نظارت بیشتری صورت گیرد تا رکورد نسبت به دهه اخیر در این استان شکسته شود. محمداً اظهار کرد: کود دی آمونیوم فسفات با فرمول کودی (DAP ۱۸-۴۶-۰) علیرغم نشان دهنده درجه بالایی از مواد غذایی، گرایش کم به جذب رطوبت و هزینه های حمل و نقل کم به عنوان یک کود با کیفیت محسوب می شود. اما به دلیل نیاز گیاهان به سایر عناصر، استفاده از این کود به تنهایی توصیه نمی شود. نیاز است محتوی مواد مغذی را مطابق دستور العمل کشت پائیزه و برنامه کودی مزارع با افزایش نیتروژن و پتاسیم تامین کرد.

کشاورزی اظهار کرد: ۸۵ درصد تامین کودهای کشاورزی فسفات و پتاسه از منابع داخلی است که در این میان کود اوره با ۱۰۰ درصد تامین از منابع داخلی بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است. سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی استان گلستان گفت: در سال جاری علیرغم تحریم ها تاکنون بخشی زیادی از کودهای وارداتی شامل کود کلرور پتاسیم جامبو بک از کشور حوزه اوراسیا کشور بلاروس در بندر فریدون کنار مازندران، سوپر فسفات تریپل و فسفات دی آمونیوم از بندر امام خمینی (ره) تامین و همه قراردادهای

فسفات «سوپر فسفات تریپل، سوپر فسفات ساده و دی آمونیوم فسفات» و گروه کودهای پتاسه «سولفات پتاسیم و کلرور پتاسیم» که دارای عناصر مورد نیاز خاک و گیاه باشند، امکانپذیر نیست. محمداً با اشاره به ذخیره استراتژیک ۱۳ هزار و ۵۲۱ تن انواع کود کشاورزی ازته، فسفات و پتاسه در انبارهای این استان، افزود: با توجه به وضعیت مناسب تامین کود از منابع داخلی و خارجی حفظ این ذخیره استراتژیک خط قرمز این شرکت است. وی با تأکید بر توجه به خود اتکایی در تامین و مصرف کودهای

سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: اکنون میزان ۱۳ هزار و ۵۲۱ تن انواع کود کشاورزی ازته، فسفات و پتاسه در انبار های این استان ذخیره شده است. به گزارش روابط عمومی، مجید محمدی مصرف کود در بخش کشاورزی را برای تغذیه گیاه بسیار مهم ارزیابی کرد و گفت: علیرغم ادعاهای موجود، مصرف کود در عرصه های کشاورزی استان نصف میانگین جهانی و یک سوم کشورهای پیشرفته است. وی با بیان اینکه ترکیب مصرف انواع کود در بخش کشاورزی باید به سمت استانداردها حرکت کند، افزود: در گذشته ۸۰ درصد کودهایی که مصرف می شد ازته، ۱۵ درصد فسفات و پنج درصد پتاس بود که خوشبختانه با اقدامات ترویجی و آموزشی در سال های اخیر این تناسب را به استانداردها نزدیک کرده و به ترتیب به میزان ۷۰، ۲۰ و ۱۰ درصد تبدیل شد. سرپرست شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان گفت: برابر پیش بینی های اداره کل هواشناسی استان، پیامدهای ناشی از تنش های محیطی و غیر زیستی دور از انتظار نیست، بنابراین بدون استفاده از کودهای کشاورزی یارانه ای گروه کودهای

زبان تبری و لهجه



در این حیطه‌ها کلام واژه‌ها گویش فارسی استرآبادی است؟ به نظر می‌رسد ایشان هم واژه‌های تبری را به اشتباه استرآبادی می‌داند. مگر واژه‌های هوکا، قاشورین، ذره، چاهر، مای‌دله، تپلاخ، پیش‌دامن، وال، کنار وال، دمس، ترسیکا، تی‌تی، لته، اوزرا، دار، چله، چمتا، وزرا، و... فارسی استرآبادی است؟ در حالی که همه تبری‌اند. کسانی که خود را از روستا و امور مشاغلی چون کشاورزی، دامداری و... بیگانه می‌دانند، چگونه می‌توانند صاحب چنین واژه‌ها و مثل‌هایی باشند که ریشه در کار و زندگی و اقتصاد روستایی دارد؟ گویش استرآبادی در حد خانواده و محله رواج دارد و در بازار و امور کشاورزی، دام و طیور، وحوش و... فاقد واژگان زیادی است. بسیاری از نام‌ها، نشان‌ها و بیشتر واژه‌هایی که به نام استرآبادی ذکر می‌شود، و برای آنها نصاب سروده شده، تبری است و تنها تلفظ آن به لهجه پارسی استرآبادی است. گویش استرآبادی در ساخت و تولید بسیاری از واژه‌ها چاره‌ای جز استمداد از زبان تبری ندارد. معمولاً مهاجران از فرهنگ و زبان بومیان مقصد تأثیر می‌پذیرند و با این استدلال به نظر می‌رسد که تبری زبان‌های منطقه پیشینه دیرینه‌تری از گویشوران فارسی‌زبان‌ها دارند. و اگر تبری زبان‌ها، مهاجران بعد از فارسی‌زبان‌ها بودند، باید گویش بسیاری از تبری زبان‌های منطقه، گویش فارسی استرآبادی می‌شد و در حالی که چنین نیست. و پس از چند هزارسال مرادف مستمر، تقریباً هیچ واژه‌ای که دال بر استرآبادی باشد، در گویش مردم تبری زبان منطقه وجود ندارد! حتی در روستاهای چند قلمی شهر! در واقع این مناطق خود غنی است و صادرکننده عمده واژگان، همان‌طور که پیشتر گفته شد، واژه‌ها و فرهنگ مردم تبری در کالبد فرهنگ و گویش پارسی گویان استرآباد تأثیر فراوان کرده که اگر آن‌ها را حذف نماییم چیز زیادی باقی نمی‌ماند. مثلاً واژه تبری ترجمه به معنی جوانه زدن دانه یا بذر، که درست آن با کسره ت تلفظ می‌شود را پارسی‌زبانان استرآبادی با ضمه ت تلفظ می‌کنند. آیا این واژه تبری نیست؟ آیا هر واژه‌ای را با لحن و لهجه خودمان تلفظ کنیم متعلق به ما می‌شود و ما آن را تولید کرده‌ایم؟! همه ابرارهای کشاورزی، مانند بلو، هوکا، واشله، دوشاخ، سه‌شاخ، تاشه، قاشورین، تپلاخ (چنگک برای کندن دانه انار یا هر میوه دیگر از روی شاخه) ذره، پاس (گوه) و... و علف و گیاهان صحرایی مانند تپلاخ، کال‌دمیه، گیمبول، چاهر، شلمی، پی‌لم، سلمه، آرز، مای‌دله، انارچه، زولنگ، موره، و... در مورد حیوانات و حشرات مثل تیرنگ (قرقاول)، پایلی (پروانه)، لیمباز (سنجاقک)، تلاجی (نوعی ماهی)، جیرجیرانی، شوکا، زبدا، برده (بلدیچین)، بامشی، موش خروما، خروس کاله (خروس جوان)، اوسکا (سنجاب)، کله (کره وحشی)، ارونجی (جوجه تیغی)، اشپل (تخم ماهی، خویبار)، تشی، آیش (زمین آماده کشت)، گاندله، گاندله یاری (جاری شلاب) باران تند و ناگهانی، رشه (مایع پستان در پس از زایمان)، رنکی (زنکو، ته‌دیگ)، اش پتیکا (آشپزی کودکان)، چیله (هیزم ریز)، چو (چوب)، تندرتو (هیزم تنور)، کشتلا (نان کوچک برای کودکان)، ترکانش (درد در استخوان)، لغت داند (معطل کردن)، اوزان (اوزان)، پیتلا (چوب پوسیده و پوک شده)، سخ (سرخ)، مغز (میخ)، پولکا (جوانه گیاه)، تشکه (نمی‌شود معنی کرد) همبسته (غلیظ)، کل، کل زدن (جفت‌گیری چهارپایان)، بچکل، بچکلیدن (چکلیدن)، اشغه (عطسه)، اشنا (شتاب، عجله)، س (رفقار و عادت کسی را به ارث بردن)، پله (سفله)، کورک، تشکه (مُل)، البیس (حارزون)، ملیجه (مورچه)، شپل (سوت)، آله (لذک، خُل و مسخره)، ته‌خاله (پستو)، اوزان (اوزان)، اشرش، باد، وچه وبله، دشو (شرت غلیظ، رُب میوه، رب میوه انگور)، برف‌دشو (دشو انگور که با برف می‌خورند)، بل (شعله آتش)، بل داند (سوزاندن)، بش زدن (بش زدن قوری شکسته)، بلر بی‌حس، بلک داشتن (بهاه داشتن)، پاش زدن (افشاندن غلات)، دانه پاش (غریب جلاکننده دانه‌های هرز)، برچن (غریب آرد)، تندرتو (تنور)، پپ (باده کرده، زولیده) پپ کاله (داری موهای زولیده و افشان، خل و چل)، تاس (کاسه)، چلیکا (هیزم ریز)، پیو (درت بو داده)، پت (لوچ، چپ چشم)، پُخ (قاله)، پروک (در خود جمع شدن، شبیه چرت زدن، پروک زدن) بی حال شدن، پشور (آبدزدک)، رتی (توو)، پزغه، پزغه (جرچه)، بنلام (عنکبوت)، بنلام کالی یا کلو (کالی یا کلو به معنی لانه، لانه عنکبوت)، پلا (پرنده‌ای شبیه حواصیل با پره‌های سیاه، پا و گردن دراز)، پلا (پلو، چلو)، پش گرم، گرمه (آب گرم، پتو) فرو کردن، پووش (بف کردن نان یا خمیر، به پهن حیوانات هم گفته می‌شود)، پینگی (کوچک، کدکوتاه)، تپوک (ضربه با دست به سر و بدن کسی)، ترا پرا (پراکنده)، چشته خورده، چشته بخارده (چیزی خورده که برایش خوشایند بوده. عادت کرده در برخی رفتارهای مجازات نشده و پرو شده)، چرتینگ (پرنده کوچکتر از گنجشک)، کتل (چوب کلفت) کاتل (بلندی‌های کوتاهتر از کوه محل دامداری و زندگی آنها)، چسین در رواج کالی چس به روح و روان مرده، گور به گوری، زلزخمی و پاره شدن، سالیبگی، عرق‌سوز، کشتلا (نان کوچک برای کودکان) تندرتو (هیزم تنور) جاجیگا، جاجیگار (ظرف، جا و مکان) سیاه‌دار، سیاه چو (ضعیف و لاغر شدن در اثر بیماری و فقر) و... همه این واژه‌ها تبری است و گویشور استرآبادی با لهجه خود ادا می‌کند و بسیاری موارد و حتی در نصاب‌ها آن‌ها را به نام واژگان خود مطرح می‌نمایند. تلفظ به لهجه خود دلیل بر تولید و مالکیت آن واژه نمی‌شود. مثلاً لانه همه ملت ایران واژه‌های رادیو، تلویزیون، کامپیوتر و... را تلفظ می‌کنند آیا این واژه‌ها فارسی هستند؟ آیا ما با فرنگی‌ها مشترک هستیم؟ مشترک نیستیم. ما به خاطر ناتوانی در تولید واژه از آنها استفاده می‌کنیم. صدها سال هم بگذرد باز این واژه‌ها فرنگی هستند. این مانند کسی است که از شمار واژگان عربی در زبان فارسی آگاهی نداشته باشد و همه را فارسی بداند. محقق در سیمای گلستان اعلام کرده بود که چند واژه استرآبادی در مناطق غرب استان مثل بندرگز و نوکنده که تبری‌زبان هستند رواج



سیلم‌محمد میرموسوی

ملت‌هاست که به طور پراکنده گفتارهایی درباره فرهنگ و لهجه استرآبادی یا گرگانی شنیده می‌شود و برخی آن را تافته‌ای جدا از فرهنگ و زبان تبری منطقه می‌دانند و برخی از زبان‌دهنده، مثل‌ها و به ویژه واژه‌هایی که آشکارا ریشه و نشانه تبری دارند را استرآبادی می‌پندارند و به نظر می‌رسد از پیشینه و ریشه آن‌ها آگاهی چندانی ندارند. استفاده و به‌کارگیری هر واژه یا مُثَل و زبان‌دهنده به گویش و لهجه خود را نمی‌توان متعلق و تولید فرهنگ خود دانست. بیشتر واژه‌های مستعمل، و برخی از مثل‌ها و زبان‌دهنده‌های موجود در فارسی استرآبادی، تبری است و برخی نمی‌دانند و برخی هم نمی‌خواهند آن را بپذیرند. اگر این موارد و مهمتر از همه، اصل واژه‌ها حذف شوند، چیز زیادی در گویش استرآبادی به عنوان نو واژه باقی نخواهد ماند! باید یک نکته را در نظر داشت که زبان مردم استرآباد فقط گویش پارسی نیست و با فقط گویشوران پارسی‌زبان، استرآبادی اصیل نیستند بلکه گویش استرآبادی شامل دو گویش، تبری استرآبادی و فارسی استرآبادی است. پارسی‌زبانانی که اینک خود را اصیل می‌دانند، مهاجرانی هستند مانند دیگر مهاجران این منطقه، که در یک دوره زمانی و خیلی قدیمی‌تر از دیگر مهاجران، برای کار و زندگی به این منطقه سرسبز و پر برکت کوچ نمودند. و بدون شک این آب و خاک قبل از ورود این گروه هم زادبوم اقوامی بوده و مردمی در آن زندگی می‌کردند و به نظر می‌رسد که زبان تبری داشته‌اند البته نه اهل تبرستان. ضرب‌المثل‌ها و زبان‌دهنده‌هایی، بومی محلی اطلاق می‌شود که در یک منطقه و با توجه به فرهنگ، جغرافیا، کار، رفتار و زندگی و... مردم و توسط خود آن‌ها تولید شود. و هر مثلی را که به لهجه خود ادا کنیم متعلق به ما نمی‌شود. برخی زبان‌دهنده‌ها اعراب‌گزاری نموده و به نام ضرب‌المثل استرآبادی معرفی می‌کنند تا جایی که برخی مثل پیش پا افتاده خدا خر را شناخت شاخ نداد را هم به عنوان مثل استرآبادی معرفی می‌کنند! زاذگاه بسیاری از مثل‌های مطرح شده در استرآباد در اصل تبری است که محققان به لهجه استرآبادی اعراب‌گزاری می‌کنند. در جایی با جانور فیل مثل استرآبادی ارائه شده! آیا فیل موجود بومی منطقه و مردم با آن سروکار داشته‌اند که بخوانند با ویژگی‌های این حیوان مثلی خلق نمایند؟! آیا پیش از انتشار عکس و فیلم این حیوان، نیاکان ما این موجود را دیده بودند که با آن مثلی بسازند؟! پارسی‌گویان استرآباد پس از مهاجرت در مقابل گستره فرهنگ و زبان تبری منطقه به ناچار مجبور شدند تا جایی که ممکن است در پهنه این فرهنگ و زبان حل شوند و واژه‌های زیادی را با لهجه خود ادا نمایند، به طوری که برخی خیال می‌کنند این واژه‌ها از تولیدات آنهاست! در واقع این گروه دامنه فرهنگی وسیعی نداشتند که قادر به تولید این همه واژه یا مثل و قالب‌های دیگر باشند و بتوانند به عنوان فرهنگ غالب رواج نمایند. همچنان که در زمینه موسیقی، ترانه‌ها، دوبیتی، تقویم، سالنامه و... ناتوان بوده‌اند. در مورد اسامی مکان‌ها، واژه‌ها و فرهنگ عمومی، نشان می‌دهد که قبل از حضور فارسی‌زبان‌ها، مردمی در این منطقه زندگی می‌کردند که تبری زبان بودند. البته تبری زبان‌های اینجا تبری نیستند، استرآبادی‌هایی هستند که در گستره فرهنگی تبرستان بزرگ قرار دارند، نه جغرافیایی اداری و سیاسی آن. مثل تبری زبان‌های تهران، طالقان، دماوند، فیروزکوه، شمال سمنان و غرب گلستان و... این‌ها از مازندران به اینجا کوچانده نشدند. این‌ها مردمان این منطقه هستند با زبان تبری. زبان و فرهنگ تبری از کنترل گذشته و تا بعضی نقاط رامیان هم نفوذ دارد. حتی تا حوالی بجنورد هم کم و بیش دیده می‌شود. مثلاً واژه هرزه‌چنه که در بجنورد رواج دارد یک واژه مستعمل تبری است. قزل‌باش‌های ساکن در رامیان هم در یک دوره خاص تاریخی به آن منطقه کوچانده شدند و بدون شک پیش از آن‌ها اقوام دیگری زندگی می‌کردند که به یقین ترک‌زبان نبودند. با اندکی دقت احساس می‌شود کسانی که خود را اصیل می‌دانند، در برهه‌ای از زمان، و در ارتباط و مرادف با بومیان مجبور شدند بسیاری از واژگان بومیان را بپذیرند تا ارتباط دوسویه برقرار شود. و تقریباً همه اقوام دیگری که به این منطقه مهاجرت کردند کم‌وبیش زبان تبری را آموختند اما کسی نیازی به آموختن گویش استرآبادی پیدا نکرد و شاید خیلی کم اتفاق افتاده است. یک کارشناس ثبت میراث ناملموس در روزنامه گلشن مهر اعلام کرده بود که گویش استرآبادی در زمینه مسایل زندگی، کشاورزی، باغداری و دامداری واژه‌گزینی نموده است.

پیدا کرده و نگفت که چه واژه‌هایی که ریشه آن بررسی شود. و دیگر نگفت که تعداد خیلی زیادی از واژه‌های تبری در گویش استرآبادی رواج دارد. حتی برخی از واژه‌ها در ترکمن صحرا هم رواج پیدا کرده. مثل کت (دیوار) یک واژه تبری است. تپلیک واژه تبری است که استرآبادی این واژه را با لهجه خود و تپولوک ادا می‌کند. در تبری واژه عربی ملک‌الموت در هم ادغام شده و مرکبیت تلفظ می‌شود تا جایی که عرب زبان هم متوجه ریشه عربی بودن آن نمی‌شود. استرآبادی این واژه را شنیده و به جای مرکبیت با لهجه خودش می‌گوید مرکموت. معمولاً همه لهجه‌ها واژه‌های مستعمل را به لحن و لهجه خود ادا می‌کنند. اسامی بسیاری از اماکن نشان می‌دهد که قبل از ورود پارسی‌گویان، تبری زبان‌ها در این منطقه زندگی می‌کردند و برای نقاط مختلف نام نشان تبری نامیده بودند. همه واژه‌های تبری زیر معنی نشده و فقط آنهایی که نیاز بود انجام شد. شلاب، ترجمه می‌بال (بری، مه آلود)، آکش، آگیر (آبکش)، نماشان، شلدر (شبنم)، شغال‌واش، پشل پشو (به هم زدن چیزی)، کلچپاس، دخاله، دخاله (پایه چوبی)، ا تو، خوگو، پی‌پیر، ماز، برار، ازان، اچک، ول‌ویاز، تک‌دهان، وک، ولغاز، گ به گ، پت کاله (جغد)، زاغ، چشم زاغ یا زاغ‌وچشم آبی، بامشی، چنلک یا چنللوک، واژه معترضه کافور، سفیدچشم، سوراخ به تن، شفت، دل باد می‌دهد، بیستا (بی صدا) بلک (بهاه)، تُل، تُل دادن. هل دادن، تکان دادن) کالی یا کلی (کلو، لانه مرغان). لاقالی (ماهی تابه)، مسکالا (ظرف فلزی مسی آب. کلا یا کیله در زبان تبری به معنی پیمانه هم است)، ماچکل (سوسمار)، پشور (آبدزدک) زمبَلو (ترش زیاد)، پله (سفله)، بل (شعله، روشنایی)، تپل (توپل)، زمهلپل (خیلی ترش)، گل انار (انار پوست قرمز)، چکه (کف)، چک چکو، چکه بروش (کف زدن ممتد و با هیجان)، چکه سما (رقص همراه کف زدن)، چکه بران، چکه پلر، تق (بوته جالیز)، مل (درخت انگور)، لم (بوته گیاه رونده روی زمین. مثل بوته تمشک)، لا (راخت، لباس)، سنسلا (گل مژه) مژبولو، مازبولو (بلوط) شت (شوت)، دستی (دستی کرده یعنی عملی. دستی شده یعنی رام)، مَه‌کالاب (قارچ سمی)، کل (پوست، پوست انداختن)، مَه‌رکل (پوست مار) بنلام (عنکبوت)، پیسی (غلاف کوچک باقالا)، گرمکه (درت، بلال)، کهی (کدو)، شپل (سوت)، کلچه (خل)، چلکه (مقدار کم)، چلکا (کشیدن یکباره)، مس مس، ترش زقروت، شور زلکو (خیلی شور)، زپلی، زپلیک (مقدار کم)، کوسه (هل دادن) رشتن (مقابل سید)، مرغانه، گلس (آب دهانی که خودبه خود شوره کند)، پت کاله (جغد)، لوچه (لب)، تشنی (مرغ جوان)، خاروس کاله (خروس جوان)، خف، چنللوک، سُمب وسو، گس دادن (توجه کردن)، گس (گردن، طاعت)، تلی (تلو، خار تیغ)، پله (سفله)، قاندواری (انجام کارخانه)، کوت (کویا، روی هم قرار دادن)، پارمیز، پای‌بوز (پشت یا زدن تکه پشمی یا بنجی بر گهای بوته در بازی)، دزک (دره (روخانه)، بنجه (سته)، کله‌سلا (سرلخت)، تی (سازگاری بی خورشت)، قنو (آبگیر)، وسنی (هوو) قنجه (پاره آتش)، بش زدن (ترومب کردن چیزی جات‌خروماندی، ستی، ولک، هلی، پرکاله (مقدار جنسی)، ول‌ویاز (خمیازه)، مس مس، پشتزیک، چهار پل (چهارگوش)، شمش (شموش)، کاندس، گالمه، (با ارزش، پربار، قیمتی. گنج) باغ گلمه (باغ گل. باغ با ارزش)، پشل پسو، کالج (کچ)، مچر (تخم مرغ برای نشان مرغ و برای تخم کردن مجدد)، قنو (آبگیر، چاله آب) و صدها واژه دیگر که تبری است و استرآبادی‌ها با لهجه خود بیان می‌کنند. فقط کلمه لبلو و جیمجو و شاید برخی دیگر که در زبان تبری با استرآبادی تفاوت دارد. بعضی واژه‌ها هم تلفظ نادرست است، و واژه جدید و ابداعی محسوب نمی‌شود. مثل

جبهه استر آبادی



مسجد(مجد)، زبان (زبان)، یقه(یخه) و... نکته مهم این که در زبان تبری واژه بیگانه دیده نمی‌شود و بسیاری از واژه‌ها می‌تواند جانشین واژه‌های غیر فارسی در زبان معیار شوند. زبان معیار از واژه‌گزینی بسیاری از واژه‌های بیگانه کاهل است، مثلاً در زبان معیار واژه عربی عنکبوت به کار برده می‌شود و در حالی که در زبان تبری واژه بندلام، یعنی لابه لا و بند بند که می‌توان به زبان رسمی کشور معرفی نمود. حتی می‌توان با اصلاح و تصحیف آن را معادل واژه لیترنتم هم به کار برد. چکل(قله، کوه بلند)، جَهَر(گودال، جدول، کانال) و... توجه شود که در اینجا مراد از طرفداری زبان یا فرهنگ تبری یا مخالفت با فرهنگ و گویش استرآبادی نیست و هدف تحقیق و بازیابی واقعیت از سوی محقق است. فرهنگ تبری شاید نسبت به استرآبادی کهن تر و گسترده تر است. حتی دارای تقویم، سالنامه، قالب‌های متفاوت موسیقی، صدها مثل، مثل، ترانه، دوبیتی، واژه، دستور زبان و... که معادل یک کشور است و کتاب مرزبان نامه به این زبان نگاشته شده است. بسیاری از اصطلاحات و گفته‌های موجود در گویش استرآبادی، هم ترجمه واژه به واژه زبان تبری است. مثلاً در تحقیقات زند. (تحقیقات چه بزونه)، آب خوردن، غذا قشنگه (خوشمزه است) زن گرفتن، زن بردن (زن بُردن)، دعوا گرفتن، دل باد میله، دلم را زده، خانه خراب شده، به دلت انار شیرین نزن، تو را بلازم، سوراخ به تن، جیگر گرفته جان، جیک مرد شده، لفت و لیس افتاده، آتش به جان، آتش به جانش بیفتد، برایت زنده، دهانش پرچین پایه ندارد، دختر می‌خواهی مادرش را ببین دختر و سنی مادرش و سنی واژه تبری است. داخله قورت داده. داخله یا دخاله چوب نگهدار شاخه و یا هرچوب کاشته شده، واژه معترضه کافور یا مَثل از سر شالی کل دمبه ا می‌خوره. آیا کسی که زراعتکاری نمی‌داند، بوته کالدمبه را می‌شناسد؟ اگر نمی‌شناسد پس چگونه مَثل ساخته است؟! در زمینه کشاورزی و دامداری چه؟! لابد گفته می‌شود کشاورز و دامدار نبود، پس چه بوده؟ دکاندان و همسایه‌دار که بوده. در این زمینه چه آورده؟ آیا از این فرهنگ چیزی به آن سوتر رواج پیدا کرده؟ منظور در مناطق تبری نشین چندقدمی شهر. اسم بسیاری از مکان‌ها و مناطق جغرافیایی، توسط تبری زبان‌ها نامگذاری شده و بعدها توسط آمارگیران اشتباهی ثبت شده. چون آمارنویسان منطقه غیر تبری زبان و عمدتاً گویشور فارسی بودند و به این زبان و یا لحن غلیظ آن آشنایی نداشتند و آنچه را شنیدند، با املائی گاه نادرست خود ثبت شد و به تدریج به شکل دلخواه خویش اصلاح کردند و بعدها به عنوان نام رسمی رواج یافت. به صورتی که امروز معنا و مفهوم اصلی آنها اندکی دشوار شده است. مثلاً روستایی است به نام اسحاقی که در شرق شهرستان کردکوی قرار دارد. به لهجه تبری زبان‌های آنجا واژه اسحاقی، ایساقی تلفظ می‌شود. آمارگیر اسحاقی را به گویش مردم ایساقی نوشته و نفر بعد الف را حذف کرده (یا از قلم افتاده) و به نام یساقی ثبت شده. اکنون مردم بومی می‌گویند ایساقی(اسحاقی) اما در شناسنامه ثبت شده یساقی. نامی که با اصل آن تفاوت دارد. این جور موارد در منطقه تبری نشین فراوان است. شصت کلا که تلفظ آن با کسره کاف درست است. شصت کلا کلا به معنی، آبادی، کپله، رود. شصت رودخانه کوچک. و چون تعدد رودخانه و جویبارها زیاد بود با اغراق به آن شصت کپله یا کلا نامیدند

که بعد آمارگران فارسی زبان کلا را با ضم کاف ثبت کردند و معنای اصلی آن از بین رفت. کلا به ضمه پوششی است که بر سر نهند در حالی با کسره، به آبادی، کپله و جای آب و آبادانی اطلاق می‌شود. متأسفانه امروزه کلا با ضم کاف به معنی آبادی متداول شده که نادرست است. محله انجیلو، مکانی بود که سالیان دور زایشگاه درختان انجیلی بود. آمارنویسان آن را انجیرآب نوشتند. در حالی که مردم بومی هنوز آن را انجیلو می‌نامند. انجیرآب واژه بی معنی است. این جور اسم‌ها با توجه به رویشگاه گیاهان آن زیاد دیده می‌شود مثل پی‌لومی، لم‌سکی، چاهری، تلی‌تمشی، انجیل نسام(محدوده سایه درخت انجیل)، چنار بن، اجابن، ول‌آغوز(درخت گردوی کج) و... نرسوز(ر یا تر در زبان تبری به معنی آب بندان، نرسو، یعنی طرف تر، آبادی یا محدوده تر یا نهر)، نصرآباد(نرسو آباد یعنی آبادی یا روستای طرف، سو و همجوار تر یا آبگیر، آب بند. نصر واژه جدید و غریبی است و بعید است مردمان چندصدسال پیش نام مکان یا آبادی خود را نصر بنامند. حتی در فرهنگ این منطقه اسمی به نام نصر اندک است) والش آباد(ول آیش آباد. ول یعنی کج، ناراست. آبادی که قواره آیش) مزرعه آماده کشت) آن با توجه به موقعیت آن روزگار اندکی ول یا کج است. ولشکی، ول آیشکی، قواره آیشی که کج است. لمسک(لم سیکه) محدوده ای که زمین‌های آن از عرصه جنگلی پاک شده و پوشیده از بوته‌های لم(تمشک) و نوعی خار صدفی(سیکه) است. لم سیکه به نام لمسک ثبت شده است. نودیجه(جه، جاه، جای ده نو. نوده جا، محل ده تازه بنیاد) نشان می‌دهد نام قدیم نودیجه فعلی چیز دیگری بوده و با این آبادی اندکی فاصله داشته است. کلاجان(کپله++جا) محل و آبادی پرآب. اکنون در غرب گرگان دو روستای همجوار کلاجان سادات و قاجار وجود دارد. در سادات ساکنان آن بیشتر سید هستند و در قاجار بیشتر ساکنان آن از طایفه قجر، سعداباد(س+آباد) آبادی که ابتدای رودخانه یا سر آب قرار دارد. نام روستا با اصل آن تفاوت بسیاری پیدا کرده. روستایی هزار سال پیش چه کاربردی با واژه عربی و نامانوس سعد داشته است؟! جلین(به نظر می‌رسد عبارت جریب بن درست بوده. یعنی پای زمین‌های وسیع و بکر مزروعی، زمانی که بیشتر این محدوده جنگلی بوده، مثل چنار بن، اجابن، شالیزار بن، لددوین(الله نی)+ ده+ بن، آبادی کنار نر، زار روستای لیوان، نامیدن نام مکانی به نام لیوان در زبان تبری منطقه، بی معنی و مبهم و شاید مضحک باشد. به نظر می‌رسد همان لور یا لیوار باشد. املا و کشیدگی شکل رسم الخط نادرست، باعث شده تا کاتبان بعدی لور یا لیوار را لیوان ثبت کنند. زمانی حرف ر کشیده و شبیه منحنی شود در خوانش آن چنین اشتباهی پیش می‌آید. لور یا لیوار که معمولاً با م و لور می‌آید، یعنی منطقه‌ای که از درختان جنگلی صاف شده و در آن بوته‌های خودرویی تیغ دار رونده که لور یا لیوار نامیده می‌شود، پوشیده شده است. کلو(کاله، کاله به معنی قدیمی، بلااستفاده، آب رودخانه‌ای قدیمی که کل یا خشک شده. کل شدن یعنی توقف یا صفت شدن. حمام کل شده. یعنی راکد و بی فعالیت شده. سلان، در واقع صد دهنه است. سلن رستاق. مرکز صد دهنه رستاق. صد واژه اغراق است. مثل هزار جریب در مازندران. یا شصت کلا هزار جریب، هزار قطعه زمین سیدمیران(همجوار سلن، و در واقع همان صد امیران یا صد میران است) صامیران کنار صد دهنه رستاق واقع شده و این صد دهنه، با اغراق صد امیر هم دارد. مرز نکلا(مرز آبادی همجوار) تلفظ نام سرخنکلا و یا سرخانکلا به ضم سین و کاف نادرست است. و تلفظ درست آن با فتح سین و کسره کاف به معنی سر محل، سر آبادی، جاه و مکان است. مثل سر زمین، سر مزرعه و سرخان کلا یعنی سر آبادی خان، بای، اریاب، و تلفظ نادرست آن توسط کسانی بیان می‌شود که امروزه ساکن آنجا هستند و خود را بومی و اصیل و بانی این محله می‌دانند. آنها در واقع مهاجران به این محله هستند و نام اصلی این مکان را با توجه گویش خود تلفظ می‌کنند و نشان می‌دهد، پیش از این اقوام، این آبادی وجود داشته و همین تلفظ نادرست نشان می‌دهد که مهاجر به این سرزمین کوچانده شده و نام محل را با گویش خویش بیان می‌کنند. آشوراده، (آشور+ده) دهی که آب آن شور است. بناور(بن ا اور) بن ا به آب اضافی که از نسق شالیزار خارج می‌شود. به انتها و مازاد آب، بن ا می‌گویند. وری یعنی کنار، مجاور منطقه‌ای که مجاور بن آب نسق قرار گرفته. چالکی(قطعه چاله وار) ولیک آباد(در اینجا به معنی میوه ولیک نیست وگرنه باید کندس آباد یا هلی آباد هم وجود می‌داشت. یا خرمانندی آباد. ولیکی یعنی قطعه زمین ول یا کج، محدوده ای که قواره آن نسبت به قواره‌های آن روزگار اندکی کج بود. مثل ول آیش، ول آغوز و... شمشوک) مردم به تبری می‌گویند شمشیک یا شمیمشک. یعنی منطقه جنگلی که درختان جوان و با شاخه‌های نازک دارند. شمیمش، شمیمش، در زبان تبری به معنی شاخه نازک است که به گویش گرگانی گفته شده شُموش و به این نام ثبت شده است. توشن(ته+شُن، تلفظ درست آن با کسر شین است. همان طور که مردم بومی آن تلفظ می‌کنند. یعنی انتهای رودخانه‌ای که آبش از بلندی به سطح زمین می‌ریزد. شن(شن گاه، ریزش گاه، ریختن ریزش، آب‌ریزش) صرف آن. شِن، شِنِمْ، شِنِندِ، شِنِندِه و... یعنی می‌ریزم، می‌ریزی، می‌ریزد و... گل انار به معنی انار پوست سرخ است. برخی آن را به عنوان شکوفه انار ترجمه کرده‌اند. به شکوفه تی تی می‌گویند. شکوفه انار انار تی تی. بادو چال(بادو+چال) بادو، آبی است که از چشمه‌های کوچک می‌جوشد. در طب سنتی تبری به دره‌هایی که بی دلیل و ناگهانی است، باد می‌گویند. مانند استخوان درد و یا درد عضلات که برای درمان آن، معمولاً آب و حتی گل و لای بادو را روی بدن یا جایی که درد می‌کند می‌ریزند و معتقدند که درمان می‌یابند و آرام بخش و مداواکننده است. برای این بیماری‌ها

مصرف برخی خوراکی‌ها باد دارد و بیماری تشدید می‌شود و باید از آن‌ها پرهیز نمود. چال در اینجا به معنی جا، رویشگاه، با چاله تفاوت دارد. بادو چال، جایی که بادو وجود دارد. متأسفانه یکی از محققان استان در یک برنامه تلویزیونی بادوچال را جایی که باد و آب وجود دارد معنا کرده! اگر باد وجود نداشته باشد چه؟! آن وقت بادو نمی‌شود؟! این یک اصطلاح کهن تبری است و معنی ایشان نادرست و تحت‌اللفظی است. بالاجاه(بالا+جا+ده). یعنی دهی در منطقه بالا دست قرار دارد. نه بالای جاده. جا درست است نه جاده. جاده واژه ای جدیدی است که در سال‌های اخیر به جای راه رواج یافته است. مهترکلاته(محل+ته+کلا) محله ای که انتهای و ته قواره آبادی‌های آن روزگار قرار داشت. محله ای که انتهای کپله یا رودخانه قرار دارد. قلندر محله(قُر+دره+محل) قنو به معنی آبگیر. جایی که آب جمع می‌شود. دره یعنی رودخانه. محله ای که رودخانه ای دارد و به صورت آبگیر است. والش آباد(ما گیاهی یا چیزی به نام والش نداریم. در واقع ول شوار آباد)، ول، کج، شوار یعنی سرزیری‌های کم شیب. یعنی آبادی که در شوری کم شیب واقع شده که قواره آن ول یا کج است. مثل ول زمین، دراز زمین. اگر از بلندی به این روستا نگاه شود ممکن است کج بودن و سرزیر بودن آن حس شود. منطقی مثل ول آیش هم زیاد دیده شده. ول آیش. آیش زمین آماده کشت، زمینی که قواره آن نسبت به قواره سراسری آن منطقه اندکی کج است. نسق به معنی محدوده شالیزاری، ورسن(وَر نسق. همجواری نسق. یا ورسن رستاق). اندیج آباد(انده ج. انده جا. انده یعنی مقدار نامعین وکم. اندی. جایی که وسعتش کم است. البته با توجه به مقیاس مناطق، این مقدار نسبی است). اندیش آباد. ش، شوار، یعنی آبادی با مقداری تقریبی که در شوار(سرزیری) واقع شده. تلبیره. ره پسوندی است که برای محدوده و منطقه به کار برده می‌شود. تلبیره. یعنی محدوده‌ای که تلوزار فراوانی روییده بود. تلوزار. ره. رویه محدوده. به این محدوده‌ها، که پوشیده از تلی(تلی) و درختچه‌های خودرویی تیغ دار و بلااستفاده است، کیم هم گفته می‌شود. کاره‌محل. کاردر زبان تبری و شاید هم فارسی یکی از عنوان‌های چوپان است. در فارسی هم دیده شده. به نظر می‌رسد به جای قوم کرده‌محل، محله یا محدوده فعالیت سرچوپان‌ها درست تر باشد. چارده(به معنی چهارتا ده نیست. وگرنه باید نام و نشانی از این دهات پیدا بود. چهارده در واقع چاروا ده است. چاروا دار ده. چاروا به معنی چوپان و گالش. محل فعالیت چوپان‌ها و دامداران. ایلوار) در زبان تبری و گویش مردم منطقه واژه ایل اصلاً به کار برده نشده و مردم ایلوار نبودند. به نظر می‌رسد واژه درست همان تلفظ مردمی اوار باشد. یعنی جایی که مردم چوب اوار تهیه یا خرید فروش می‌کنند. و این روستا در جوار گستره جنگلی واقع است. در زبان تبری همه گیاهان خودرو که حتی در زبان معیار نامشناخته است، اسم و رسم دارند. چوپان آن حدود ده‌ها نوع اسم دارند و در امر دامداری صدها واژه ناب تولید شده، در حالی که الان فرهنگستان با آن همه اساتید مجرب در نامگذاری‌ها توفیق چندانی ندارد. گاو هم حدود ده‌ها اسم دارد. اینها قوت یک زبان و یک فرهنگ نیست؟ در حالی که در زبان معیار فقط یک گاو داریم با گوساله، گاو ماده، گاو نر، گاهی به جای اینکه اسم خاص باشد توضیح آن است. در نظر بگیرد اسم گاو نر در زبان فارسی که توضیح جنسیت گاو است، در مقابل اسم روزا یا جاتکه در زبان تبری. اکنون برای زبان تبری یک مجموعه چند جملی واژه‌نامه و قالب‌های دیگر زبانی و فرهنگی فراهم شده. استرآبادی چقدر دارد؟ موسیقی، اشعار، دوبیتی‌ها و... آنها کجاست؟ اصلاً چرا نتوانستند گویش خود را رواج بدهند؟ بگویند این ساز و آواز ما است. رواج یک گویش در سرزمین‌های مجاور طبیعی است و تفکیک آن به مرز جغرافیایی خط کشی شده غیرممکن. اما نکته مهم اینجاست که هر واژگان اصل و نصب ویژه خود را دارد. اکنون واژه‌های عرب در زبان فارسی فراوان است آیا پس از صدها سال قدمت، این واژه‌های عربی است یا فارسی؟ آیا می‌توان گفت مشترک هستند؟ هیچ‌گاه مشترک نبودیم و ما به خاطر نیاز و فقر در واژه‌سازی آن‌ها را به کار می‌بریم. اگر قدرت و وسعت زبان تبری نبود در زمان استیلای روسها صدها واژه روسی رواج پیدا می‌کرد. اگر موسیقی از شاخه‌های فرهنگی است، پس موسیقی استرآبادی کجاست. ترانه‌ها، دوبیتی‌ها، گلو به گلو خوانی‌ها. حاضر جواب‌ها، مثل‌ها، مثل‌ها، سازها، تقویم و... کجاست؟ در خطه شمال به موسیقی گیلکی، مازندرانی، تالش، علی‌آباد کنول و ترکمنی برمی‌خوریم اما وقتی به استرآباد می‌رسیم چه؟! منظور از موسیقی کنولی که در مازندران رواج دارد، مربوط به موسیقی علی‌آباد نیست. مازندران یکی از قالب‌های موسیقی خود را کنولی می‌نامد و ربطی به نغمه‌های علی‌آباد ندارد. مثل امیری، کنولی، طالبیا و نجما. کنول در واقع همان کُتل است. کُتل کوتاهتر از کوه است و مجاور آن محل قابل اسکان. یعنی مردم کتل نشین یا کوه نشین، که پس ایجاد آرامش و امنیت نسبی در منطقه جلگه ای سکنی گزینند. گاهی دیده شده که برخی خود را اصیلتر می‌دانند و صاحب فرهنگ، آداب و کمالات والا تر، فرهنگ برتر چیست؟ مگر فرهنگ، چیزی جز وفاداری به مجموعه آداب و رسوم، سنت، اعتقادات، باورها، مثل‌ها، زبان‌زدها، مثل‌ها، ترانه‌ها، اوسانه‌ها، بازی‌ها، موسیقی، به کارگیری ابزار، تن پوش‌ها، خورد و خوراک و... از همه مهمتر زبان و گویشی که دارای دستور و قواعد است، می‌باشد؟ اکنون کدام فرهنگ بر دیگری تأثیر گذاشته؟ در گویش تبری ضرب المثل‌هایی وجود دارد که شگرف است. چگونه این قوم به این دانش زبانی و فرهنگی دست یافته‌اند؟ گم شدن و گم کردن فرهنگ نشانه چیست؟ کدام گروه فرهنگ خویش را گم کرده‌اند؟ آنچه را که امروز در کف منطقه دیده می‌شود زبان مشترک اقوام است، نه گویش گرگانی یا استرآبادی.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابری ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی گرگان تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا بشرح زیر بمنظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود. در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک گرگان تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. ضمناً درخصوص آگهی های اصلاحی ظرف مدت یک ماه از انتشار آگهی، متقاضیان اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک گرگان تسلیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

ردیف ۱- کلاسه ۲۱۲۲۲۴۰۶۹۳/۰۸۳۷۰۷۴/۰۸۳۷۰۷۴/۲۱۲۲۲۴۰۶۹۳ آقای محمدرضا غریب آزادی به شماره شناسنامه ۱ و کد ملی ۲۱۲۲۳۵۵۱۹۲ صادره از گرگان فرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۰۶۷٫۱۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۴۰) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲- کلاسه ۳۶۰۵۵۸۴۰۸۷۰۷۹۴/۰۳۳۷۲۰۹۷۴۹۷/۳۶۰۵۵۸۴۰۸۷۰۷۹۴ خانم کشور بزی به شماره شناسنامه ۱۴۹۸ و کد ملی ۳۳۷۲۰۹۷۴۹۷ صادره از زابل فرزند محمدحسین ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۵۰۰۰۰٫۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۸) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۳- کلاسه ۲۶۰۱۰۵۴۰۸۷۰۳۲۴/۰۴۹۷۹۲۳۳۱۹۸/۲۶۰۱۰۵۴۰۸۷۰۳۲۴ آقای حسن شجاعی به شماره شناسنامه ۷۷ و کد ملی ۴۹۷۹۲۳۳۱۹۸ صادره از آق قلا فرزند اکبر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۴۱۱٫۱۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۲) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۴- کلاسه ۳۶۰۳۴۲۴۰۸۴۲۵۱۴/۰۲۱۲۲۹۱۶۶۱۳/۳۶۰۳۴۲۴۰۸۴۲۵۱۴ خانم آتنا طهماسبی للدوینی به شماره شناسنامه ۸ و کد ملی ۲۱۲۲۹۱۶۶۱۳ صادره از گرگان فرزند رسول ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۱۴۶۹٫۲۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۲۱) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۵- کلاسه ۳۶۰۰۶۴۰۸۴۹۰۹۴۰۲۱۲۱۷۹۳۱۳۵/۰۲۱۲۱۷۹۳۱۳۵/۳۶۰۰۶۴۰۸۴۹۰۹۴ آقای حبیب اله هزارجریبی قلعه به شماره شناسنامه ۷۵ و کد ملی ۲۱۲۱۷۹۳۱۳۵ صادره از گرگان فرزند مصطفی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۸۴۹۸٫۰۷ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۹۹) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. ردیف ۶- کلاسه ۴۹۷۹۸۳۹۵۴۱/۰۴۹۷۹۸۳۹۵۴۱/۴۹۷۹۸۳۹۵۴۱ خانم مریم عاقبتی به شماره شناسنامه ۱۰ و کد ملی ۴۹۷۹۸۳۹۵۴۱ صادره از آق قلا فرزند عباسعلی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۵۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت

گرگان (قطعه ۱۴۲) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. ردیف ۷- کلاسه ۳۶۰۲۲۴۰۸۱۰۱۴۴۰۲۱۱۰۲۸۵۶۷۲/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۲۲۴۰۸۱۰۱۴۴ آقای محمد عرب به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۲۸۵۶۷۲ صادره از گرگان فرزند رمضان ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۹۸۹۲٫۸۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۳۵) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۸- کلاسه ۳۶۰۳۰۳۴۱۷۷۰۲۰۳۰۳۴۱۷۷۰۲۰۳۰۳۴۱۷۷ خانم صدیقه خانم مسافری به شماره شناسنامه ۱۳۳ و کد ملی ۲۰۳۰۳۴۱۷۷۰ صادره از گنبدکاوس فرزند محمدعلی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۸۹۹۹٫۹۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۲۱) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۹- کلاسه ۳۶۰۲۲۰۴۰۸۷۲۶۰۴۰۳۳۷۲۱۵۹۴۶۸/۰۳۳۷۲۱۵۹۴۶۸/۳۶۰۲۲۰۴۰۸۷۲۶۰۴۰۳۳۷۲۱۵۹۴۶۸ خانم غلامحسین بزی به شماره شناسنامه ۱۷۱ و کد ملی ۳۳۷۲۱۵۹۴۶۸ صادره از زابل فرزند عباس در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است ۲- آقای غلام رسول بزی به شماره شناسنامه ۲۴۳ و کد ملی ۴۹۷۹۶۶۲۵۰۸ صادره از آق قلا فرزند عباس در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی که مقدار ۱۲٫۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه آن وقف است؛ بمساحت کل عرصه: ۲۹۹۹۹٫۴۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۶ -اصلی واقع در اراضی للدوین بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۵) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۰- کلاسه ۳۶۰۰۹۳۴۰۸۷۴۱۴۴۰۲۱۲۱۹۲۳۰۴۱/۰۲۱۲۱۹۲۳۰۴۱/۳۶۰۰۹۳۴۰۸۷۴۱۴۴ خانم زینب زمانی هاشم آباد به شماره شناسنامه ۵۵۰ و کد ملی ۲۱۲۱۹۲۳۰۴۱ صادره از گرگان فرزند باقر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۲۵۰۰ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۲۱۱) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۱- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۵۹۹۲۸۶/۰۲۱۲۵۹۹۲۸۶/۳۶۰۲۱۲۵۹۹۲۸۶ آقای حامد یوسفی به شماره شناسنامه ۴۹۲۲ و کد ملی ۲۱۲۵۹۹۲۸۶ صادره از گرگان فرزند عباس ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۱۱۵۲۹٫۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۴۹۴) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۲- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ خانم ربابه گرزالدین به شماره شناسنامه ۲۲۵ و کد ملی ۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ صادره از گرگان فرزند محمدصادق ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۲۶۲۹٫۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۳۷۴) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۳- کلاسه ۳۶۰۳۳۷۲۱۹۴۳۳/۰۳۳۷۲۱۹۴۳۳/۳۶۰۳۳۷۲۱۹۴۳۳ آقای کبیر بابردریگی به شماره شناسنامه ۹۹۸ و کد ملی ۳۳۷۲۱۹۴۳۳ صادره از زابل فرزند امیر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۴۹۹۲٫۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۴) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۴- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۴۵۲۲٫۳۶ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۴۹۰) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. ردیف ۱۵- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین

کشاورزی بمساحت ۱۰۰۹۴٫۲۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۴۸۹) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. ردیف ۱۶- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۱۵۰۰۰٫۱۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۴۱) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۷- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۲۸۷۶۹٫۹۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۴۵) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۸- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۵۲۴۰٫۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۳۱۷) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۱۹- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حسین گلوی قلعه کهنه به شماره شناسنامه ۲ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از شیب آب فرزند عیسی ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۲۷۳۳۰٫۵۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۴۵) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲۰- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ خانم غلامعلی کوهکن آخره به شماره شناسنامه ۳۹۵ و کد ملی ۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ صادره از گمیشان فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۳۳۷۳٫۳۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۸۰) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲۱- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ آقای علیرضا یوسفی به شماره شناسنامه ۴۰۸ و کد ملی ۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ صادره از گرگان فرزند علی اکبر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۲۵۷۸۶٫۵۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۳۷۵) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲۲- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ آقای داود کوهکن به شماره شناسنامه ۷ و کد ملی ۲۱۲۲۵۰۰۳۳۹ صادره از گرگان فرزند محمود ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۳۳۷۳٫۳۹ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۴۷۹) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲۳- کلاسه ۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱/۳۶۰۲۱۲۱۱۰۶۶۰۱ آقای رضا قلیچانی به شماره شناسنامه ۵ و کد ملی ۳۳۷۲۱۹۴۳۳ صادره از زابل فرزند حسین ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۱۴۵۵۸٫۳۴ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۴۷۹) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۲۴- کلاسه ۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۰۳۳۹۷۸۶۷۱/۳۶۰۳۳۹۷۸۶۷۱ آقای حمیدبزی به شماره شناسنامه ۲۱ و کد ملی ۳۳۹۷۸۶۷۱ صادره از گرگان فرزند نادر ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی بمساحت ۴۱۰۵۳٫۳۶ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۰ -اصلی واقع در اراضی هاشم آباد بخش دو حوزه ثبت گرگان (قطعه ۱۸۷) طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. تاریخ انتشارنویت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ انتشارنویت دوم: ۱۴۰۳/۰۸/۳۰ مهدی شاه مهری- سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۱۸۱۹۸۵۳

۱۰۰ روستادارای گروه مقابله با آتش در جنگل است



و آبخیزداری گلستان گفت: امسال ۲۲۹ فقره کشف قاچاق در بخش منابع طبیعی استان ثبت شد که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۵ درصد کاهش دارد. وی ادامه داد: در اجرای احکام هم امسال ۲۰۲ فقره خلع ید در حوزه منابع طبیعی استان انجام شد که نسبت به مدت مشابه سال قبل با ۱۳ درصد افزایش عمکرد مواجه است.

یکی از استان های غنی در حوزه جنگل محسوب می شود، و علاوه بر آنکه از بیشترین و وسیع ترین رویشگاه سرخدار ایران در شهرستان علی آباد کتول و بهترین و غنی ترین رویشگاه های بلوط بلندمازو جهان در گالیکش برخوردار است صدها هزار هکتار از جنگل های هیرکانی را نیز در دل خود جای داده است. فرمانده یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی

فرمانده یگان حفاظت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: ۱۰۰ روستای این استان گروه های مقابله با آتش در جنگل و چمنزار را تشکیل داده و آماده خاموش کردن آتش احتمالی هستند. به گزارش روابط عمومی، عیسی گلپینی مفرد اظهار کرد: گروه مقابله با آتش روستایی استان، ۱۱ عضو دارد که این افراد آموزش های پیشگیری و مقابله با آتش احتمالی در عرصه های منابع طبیعی را زیر نظر کارشناسان فراگرفته و مجهز به امکانات انفرادی شده اند. وی ادامه داد: علاوه بر این، دستگاه ها و نیروهای مسلح در بخش پیشگیری و مقابله با آتش در عرصه های ملی برای آمادگی کارکنان خود دوره آموزشی برگزار می کنند. گلپینی مفرد گفت: ۴۵ نیروی شرکتی و ۱۲۰ نیروی رسمی اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان در ۳۳ پاسگاه جنگلبانی در ۱۴ شهرستان ساماندهی شده و کار نگهداری از عرصه های منابع طبیعی را در کنار نیروهای مردمی برعهده دارند. به گفته وی به طور میانگین روزانه ۱۹۲ گشت خودرویی و پیاده از سوی گروه سازمانی و شرکتی در عرصه های منابع طبیعی استان انجام می شود. وی از هم استانی ها خواست از رهاسازی شیشه در جنگل خودداری کرده و در صورت مشاهده تخلفات به ویژه آتش در عرصه های منابع طبیعی موارد را به شماره های ۱۵۰۴ و ۱۳۹ گزارش کنند. گلستان

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی این جانب

محمد مهدی سیف حسینی فرزند محمدعلی

به شماره شناسنامه ۱۰۲ شناسه ی ملی

۲۱۲۱۲۰۶۰۹۴ صادره از گرگان در مقطع

کارشناسی، رشته روانشناسی، صادره از

واحد دانشگاهی آزاد گرگان با شماره ی

۱۷۹۹۱۷۲۰۱۱۹۷ مفقود گردیده است

و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا

می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد

اسلامی واحد گرگان به نشانی: گرگان-

بزرگراه شهید کلاتری (کمربندی)- خیابان

دانشگاه آزاد اسلامی- مجتمع دانشگاه

آزاد اسلامی گرگان- اداره ی امور دانش

آموختگان ارسال نماید.

پاققلعه جایی که زمین به ملاقات آسمان می رود



آنجا که در این منطقه هم جنگل را دارید و هم اقیانوسی از ابرها به جنگل ابر معروف شده است.

آبشارها و چشمه‌های پشمکی

علاوه بر جنگلهای هیبرکانی و جنگل ابر در روستای پاققلعه، طبیعت آبی فوق‌العاده‌ای نیز اطراف این روستا وجود دارد که می‌توان به چشمه‌های پر آب سرگل، چشمه پشمکی و انجیرچشمه اشاره کرد که حال و هوای فوق‌العاده‌ای به طبیعت اطراف این روستا داده است. علاوه بر این چند مجموعه آبشار زیبا شامل مجموعه آبشارهای پشمکی، مجموعه آبشارهای سرخه کمر، مجموعه آبشارهای جوزک و مجموعه آبشارهای سید کلاته، طبیعت آبی این منطقه را تکمیل کرده که آگه جزء اون دسته از طبیعت گردانی هستند که عاشق آب و آبشاری هستند قطعا این منطقه برای شما بهترین گزینه است.

قلعه ماران

سه کیلومتری غرب روستای پاققلعه که بروید، بلندی‌هایی با بیش از دوهزار متر ارتفاع وجود دارد که بالای این ارتفاعات یک قلعه تاریخی زیبا را خواهید دید. این قلعه که زمان تیرداد اشکانی ساخته شده، روزگاری پایتخت بیلاقی اشکانیان بوده است. قلعه ماران با نام‌های موران و میران نیز شناخته می‌شود و احتمالاً از آثار باقی‌مانده از شهر تاریخی همیشه است. دیواره‌ی شمالی این قلعه ۲۱۵ متر طول دارد و بلندترین دیواره طبیعی استان گلستان است. نامگذاری روستای پاققلعه، استقرار روستا در پایین قلعه‌ی ماران است.

روستا بروید. جاده روستا آسفالت اما دقت داشته باشید که پیچ و خم زیاد دارد و در روزهای بارندگی مه آلود است. با چه وسیله‌ای به روستای پاققلعه سفر کنیم؟ این روستا آسفالت است و به راحتی با هر وسیله نقلیه می‌توانید به آنجا بروید.

غذاهای محلی و معروف در پاققلعه

انواع آش‌ها، آبگوشت، کباب، انواع خورشت‌ها و نان محلی از غذاهای رایج است. انواع لبنیات از قبیل شیر، پنیر، ماست و کره به عنوان بخش مهم از غذا و مواد غذایی در روستا تولید و مصرف می‌شود.

صنایع دستی و محصولات روستای پاققلعه

دامداری در روستای پاققلعه رونق دارد و گوشت، پشم و انواع فرآورده‌های لبنی مانند شیر، پنیر و ماست از محصولات دامی آن است. قالی، قالیچه، گلیم، نمذ، چادر شب و دستمال از انواع صنایع دستی روستای پاققلعه به شمار می‌آیند.

جاذبه‌های زیبا در مجاورت روستای پاققلعه

جنگل ابر

روستای پاققلعه همجوار با دو منطقه پرفشار و کم فشار هوایی قرار دارد که جابجایی این جبهه پرفشار و کم فشار باعث شده ارتفاعات این منطقه بیشتر روزی سال پوشیده از ابر باشد و مناظر رویایی و زیبایی را به تصویر بکشد. از

برگ و ذخیره‌گاه جنگلی، از زیباترین جاذبه‌های طبیعی روستای پاققلعه محسوب می‌شوند. قطع درختان در این منطقه‌ی حفاظت شده ممنوع است. از مکان‌های تفریحی و تفرجگاهی اطراف روستا نیز می‌توان به منطقه‌ی تفریحی جامه شوران و طبیعت سرسبز و چشمه‌های پرآب سرگل و چشمه پشمکی اشاره کرد. مردم روستای پاققلعه در اعیاد بزرگ مذهبی به جشن و سرور و در ایام محرم و وفات ائمه، به عزاداری می‌پردازند. ایام عید نوروز و روزهای چهارشنبه سوری، سیزده بدر و شب یلدا نیز مورد توجه مردم این روستا است که با مراسم ویژه و مخصوص به خودشان برگزار می‌شود که ارزش دیدن و شرکت کردن در آن‌ها را دارد.

روستای پاققلعه کجاست؟

روستای پاققلعه از شمال شرقی به پل آرام، از جنوب و غرب به ارتفاعات قلعه ماران و از شمال غربی به منطقه تفریحی جامه شوران محدود می‌شود. روستای پاققلعه در فاصله ۱۰ کیلومتری جنوب غربی شهرستان رامیان و ۷۰ کیلومتری گرگان واقع شده است. روستا کوهستانی پاققلعه از سطح دریا ۱۸۰ متر ارتفاع دارد و اگر از آن دسته گردشگران هستید که به علاقه‌مند به طبیعت بیلاقی خوش آب و هوا هستید سفر به این روستا را به شما پیشنهاد می‌کنیم. پاققلعه زمستان سرد و تابستون خنک معتدل دارد.

مسیر روستای پاققلعه؟

برای دسترسی به این روستا می‌توانید از طریق شهرهای گرگان و رامیان که جاده‌های مناسب و آسفalte دارند به

یکی از شگفت‌انگیزترین جلوه‌های طبیعی روستای پاققلعه رامیان، تشکیل جنگلی از ابرهاست. این روستا هم‌جوار با دو منطقه‌ی کم فشار و پر فشار است، جابه جایی باد و تشکیل ابر در اثر این هم‌جواری‌ها از جمله پدیده‌های منطقه است. به گزارش ایسنا، تصور کنید انبوهی از ابرها از آسمان به زمین آمده و می‌توانید روی اقیانوسی از ابر قدم بزنید. روستای پاققلعه نام روستایی در شهرستان رامیان است که در استان گلستان قرار گرفته، روستایی با چشم اندازهای رویایی و بی‌نظیر که بر روی تپه‌های بلندی اسکان دارد. این روستا از نظر قدمت و طبیعت در نوع خود بسیار شگفت‌انگیز است، ارتفاع این روستا از سطح دریا ۱۲۰۰ متر بوده و تحت تأثیر اقلیم کوهستانی، زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدلی دارد. حضور در روستای پاققلعه و تماشای طبیعت بکر که همراه با استنشام بوی باران بر دیوارهای گلی همراه است و همچنین شنیدن صدای آب و پرندگان برای هر گردشگری می‌تواند روح بخش باشد. آثار باقی‌مانده از شهر تاریخی تمیشه و قلعه ماران در ۳ کیلومتری روستا، از قدمت و تاریخ کهن این منطقه حکایت دارد. این قلعه در زمان تیرداد اشکانی ساخته شده و پایتخت دوم اشکانیان بوده است.

نام این روستا، پیش از انقلاب ۵۷ «سازمان قاسم‌خان مقصدلو» بوده است. بعد از انقلاب و تا سرشماری سال ۱۳۷۵، «اسلام آباد فندرسک» نامیده می‌شده است. پس از آن، به «پا قلعه» تغییر نام داده است؛ علت این نامگذاری را استقرار روستا در پایین قلعه ماران دانسته‌اند. ارتفاعات غربی و جنوبی روستا با جنگل‌های انبوهی از درختان سوزنی

مقاومت در گلستان به‌عنوان پنجمین استان کشور در برگزاری این رخداد فرهنگی، اضافه کرد: این همایش تا یک ماه آینده در هر یک از شهرستان‌های گلستان (هر شهرستان یک مدرسه) برگزار خواهد شد. زیارت‌بان ادامه داد: همایش یاوران مقاومت بیشتر در مدارس شاهد گلستان برگزار می‌شود که دانش‌آموزان آن در قالب تشکیلات سازمانی (گروه‌های پیشتاز) برخی مهارت‌ها مانند «صلوات‌ها، تشویق‌ها و سرودها» مرتبط با مضامین آرمانی، ملی‌گرایی، افتخار به مناسک دینی و مذهبی و حمایت از مقاومت اسلامی را فرا گرفته‌اند. وی اضافه کرد: تشکیلات دانش‌آموزی در مدارس منتخب، سه شعار «همفکری، همدلی و همکاری» را در انجام فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی و نیز حمایت از جبهه مقاومت اسلامی مدنظر دارند.

و لبنان که از یکسال پیش تاکنون خانه‌ها و مدارس آنان درحال بمباران و تخریب است، به نمایش گذاشتند. به گزارش ایرنا، در این همایش که روز دوشنبه برگزار شد، مدیر سازمان دانش‌آموزی گلستان گفت: همایش «یاوران مقاومت» طرح ابداعی از سوی سازمان دانش‌آموزی کشور برای اعلام همبستگی و حمایت از مقاومت اسلامی و کودکان و نوجوانان غزه و لبنان بوده که از چندی پیش در استان‌ها و شهرستان‌ها درحال برگزاری است. شایان زیارت‌بان افزود: در این طرح دانش‌آموزان از جبهه مقاومت و رزمندگان آن در برابر جنایات استکبار جهانی (آمریکا) و رژیم غاصب و خبیث صهیونیستی در به شهادت رساندن مردم مظلوم غزه و لبنان، اعلام حمایت و همبستگی می‌کنند. وی با اشاره به برگزاری همایش متمرکز استانی یاوران

همبستگی دانش‌آموزان گنبدی با کودکان غزه و لبنان

دانش‌آموزان مدرسه ابتدایی دخترانه شاهد گنبدکاووس در قالب همایش یاوران مقاومت، پشتیبانی و همبستگی خود را از کودکان و نوجوانان غزه